

بختیار مردی که فکر می کرد مرغ طوفان است

۳ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۰۳

۳۷ سال پیش و در زمستانی گر گرفته از "آتش خشم و طغیان مشتهای گره کرده" وقتی عقربه ها ساعت ۹ و نیم صبح را نشان میدادند سیاستمداری دیرینه از پله های سکوی مجلس بالا میرفت تا در جایگاه نطق قرار گرفته و با ارائه برنامه های دولت خود از نمایندگان مجلس شورای ملی رای اعتماد بگیرد.

جوان و تاریخ- کشکول

۳۷ سال پیش و در زمستانی گر گرفته از "آتش خشم و طغیان مشتهای گره کرده" وقتی عقربه ها ساعت ۹ و نیم صبح را نشان میدادند سیاستمداری دیرینه از پله های سکوی مجلس بالا میرفت تا در جایگاه نطق قرار گرفته و با ارائه برنامه های دولت خود از نمایندگان مجلس شورای ملی رای اعتماد بگیرد. در شرایطی که فریاد کرکننده خشم و انزجار انقلابیون تا پشت دربهای مجلس بگوش میرسید او پشت تریبون جایگاه نطق مجلس "حس شعرخوانی" اش گل کرده بود و بیتی از چکامه مرغ طوفان اثر "غلامعلی رعدی آذرخشی" را میسرود: من مرغ طوفانم نیندیشم ز طوفان / موجم، نه آن موجی که از دریا گریزد/

بختیار آخرین نخست وزیر سلطنت پهلوی نه به بدنامی "شریف امامی" بود و نه چون ازهارای قسم خورده وفاداری به شاه. او سابقه سالها مبارزه با رژیم پهلوی را در جبهه ملی داشت و بهمین لحاظ تقریباً از خواسته های مخالفین آگاه بود اما عطش نخست وزیری در شرایطی گریباننش را گرفت که هیچ کس حاضر به پذیرش نخست وزیری شاه نبود. حتی وفادارترین یاران شاه به فکر فرار از دست انقلاب مردم بودند. شاپور بختیار برای آرام کردن اوضاع اقداماتی را انجام داد: او ساواک را منحل کرد، بنیاد پهلوی را به عنوان وقف عام واگذار نمود هر نوع سانسور را لغو کرد (که در پی این اقدام اعتصاب ۶۰ روزه مطبوعات شکسته شد)، کلیه زندانیان سیاسی را آزاد کرد و پیمان های نظامی و قراردادهای تسلیحانی میلیاردی ایران و آمریکا را لغو کرد اما دیگر دیر شده بود جنس خواسته های انقلابیون با آنچه که بختیار در ذهن داشت فرق میکرد. دیگر هدف انقلابیون بیش از تمام اینها فقط "تغییر نظام سلطنتی" بود، بختیار هم فکر میکرد با اظهار به اینکه [شاه دیگر در ایران حکومت نکرده و فقط سلطنت خواهد کرد] مردم آرام خواهند شد... و البته از سیستم سلطنتی ای میگفت که خودش هم نمیدانست از چه نقشی و جایگاهی در آن برخوردار خواهد بود... اما بهر حال هر طور شده نمیخواست زیر بار "تغییر رژیم" برود و از هیچ وعده یا اقدامی برای تغییر اهداف و خواسته انقلابیون ازسقوط و تغییر رژیم دریغ نمیکرد. مرغ طوفان می گفت که از طوفان مردم نمی هراسد اما دولت مستعجل او چند روزی بیشتر دوام نیامد و بهمن ماه ۵۷ تاریخ ایران به شکلی دیگر ورق خورد...

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/19748/طوفان-مرغ-ميفكر-مرد-بختيار>